

یادداشت‌های تاریخ اصفهان (۴)

مَنار جُمُّ جُم (= مَنار جنبان)

دکتر جمشید سروشیار

بر سنگ مرمرینی که بر بالای سر گور این عارف بر دیوار نصب است، این عبارت به خط ثلث برجسته نقش است: «هذا قبر الشَّيخ الزَّاهد البارِع المتورِّع السَّعيد المتَّقِي عمو عبدالله بن محمَّد بن محمود سقلا رحمة الله عليه و نور في السَّابع عشرة من شهر ذي الحجة سنة ستِّ عشر و سبعمائة». با این نبشته روشن لوح گور، معلوم نیست، مؤلف *تاریخ اصفهان*، انصاری نسبت «صیقلائی» را از کجا آورده است؟ یوزو کچیان (*وصف بناهای مشهور اصفهان: ۶۸*). در شرحی که از منار جنبان به دست می‌دهد، به نقل از پیران محلّ می‌نویسد که: در این بقعه، سقّای جناب علی^(ع) به خاک خفته است! آیا در تداول مردم این روستا در زمان حیات عمو عبدالله، «سقّا» را «سقلا» می‌گفته‌اند؟ به نظر نویسنده این سطور، این نکته سزاوار بررسی است. والله اعلم. شادروان استاد همایی (*تاریخ اصفهان: ۲۶۷/۳*) نیز نسبت این شیخ متورِّع را «سقلابی» آورده‌اند اما مأخذ قول خویش را یاد نفرموده‌اند؛ رحمة الله علیه.

باری، از احوال این شیخ زاهد مانند بسیاری از مشایخ و زهاد روزگار باستان جز افسانه‌های غریب کرامت‌آمیز - که اغلب عیناً به دیگران نیز منسوب است - چیزی به دست نیست: برخی مزار وی را در بعض شب‌ها نورافشان دیده‌اند (رک: *سفرنامهٔ جیمز موریه: ۱۷۴/۲*) یا سالها پس از وفات او چون تربتش را گشوده‌اند، کالبد وی را همچنان تر و تازه یافته‌اند (*روضات الجنّات: ۳۰۶/۳*). در سال ۱۲۲۶ (= ۱۸۱۱ م) که جیمز موریه در اصفهان بوده و به تماشای منار جنبان رفته است، ظاهراً هنوز خرقة فرسوده و زندهٔ متبرک و معجزنمای شیخ که چندین من وزن داشته است، نزد متولیان مزار محفوظ بوده است (رک: *سفرنامه: ۱۷۴/۲*)! از سخنان مادام دیولافوا (رک: *ایران و کلد و شوش: ۲۹۶*) چنین برمی‌آید که خلاف نظر انصاری، عقول همهٔ فرنگیان در باب منار جنبان چندان هم حیران نبوده است. در سفرنامهٔ این باستان‌شناس، در سبب جنبیدن مناره‌های این مزار، شوهر وی، مارسل

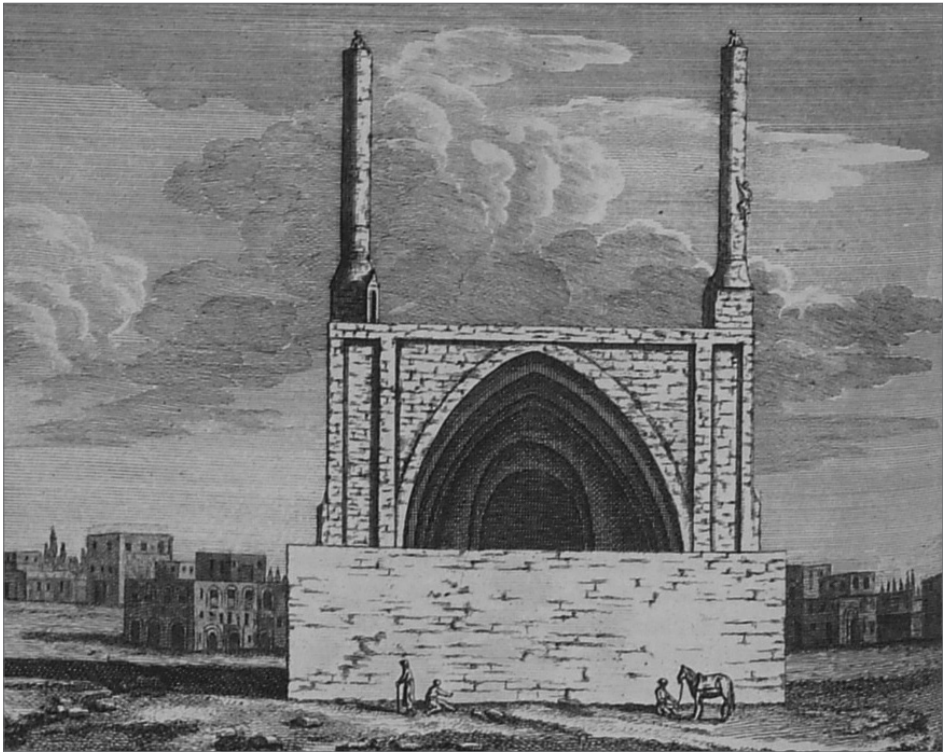
که معمار بوده است و همسفر او، بر حسب دانش خویش سخن گفته است و توجیهی فیزیکی از حرکت این مناره‌ها به دست داده است. اما شگفت است که دانشی‌مردی چون میر سیدعلی جناب (۱۲۸۷-۱۳۴۹ق) که از افاضل عصر خویش به‌شمار است و از آن جمله در ریاضی از مدرّسان مشهور بوده است، گفتار مارسل را - که هرچه هست بر بنیادی علمی استوار است - مردود قلم داده و علت اصلی حرکت این دو منار را «استحکام و چسبندگی خاک رُست اصفهان» دانسته و گفته است: «مخصوصاً این دو مناره چون سبک و محقر و قابل بغل کردن هر کس و دستگیره‌دار می‌باشد، بهتر این اثر را ظاهر می‌کند (رک: راهبر برای مسافری اصفهان: ۲۳).



ورودی شرقی منارجنابان - اواخر دهه ۵۰

در تحقیق علمی جنبش منارجنابان دو تن دیگر از ریاضی‌دانان معاصر نیز سخن گفته‌اند: یکی سید جلال‌الدین طهرانی (۱۲۷۲-۱۳۶۶ش)

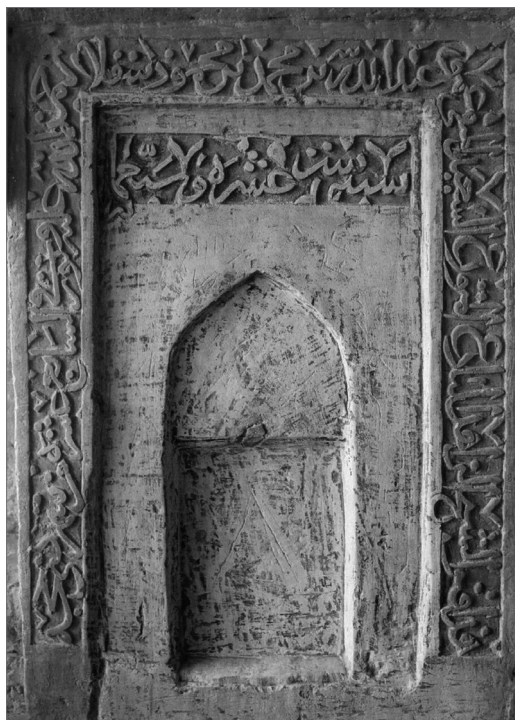
منجم مشهور، در سفرنامه (= اصفهان نصف جهان) خویش که در گاهنامه ۱۳۱۲ به چاپ آمده است و دیگر سید معزالدین مهدوی (۱۲۸۹-۱۳۵۹ش) از صاحب‌منصبان فاضل وزارت فرهنگ در رساله «کشف اثر منارجنابان اصفهان» (همدان، کتابخانه فروهر، ۱۳۱۳ش). به نظر طهرانی «... آنچه در حقیقت موجب حرکت است، شکل هندسی و خاصیت مکانیکی آن است که به‌طور کلی هر مخروط ناقصی که ارتفاعی بالتسبیه داشته باشد، به فشارهای متناسب، حرکت ارتجاعی پیدا می‌کند و هر قدر بی‌اتصال‌تر باشد به جایی، حرکتش واضح‌تر است و بنای منارجنابان همین‌طور است؛ اولاً: قریب پنج متر بیشتر از پشت بام بلند نیست، ثانیاً: اطراف آن وصل به عمارتی نیست و چون با طاق به وسیله کلاف‌های چوبی وصل است، طاق را هم با زمین آن به حرکت درمی‌آورد... آری هر مناری این حرکت را کم و بیش دارد، مثلاً در اُشترگان، خارج اصفهان نیز دو مناری است که حرکت می‌کند و نیز منار دامغان حرکت دارد و همچنین در دو منار صحن قم، اندک حرکتی محسوس است. لابد اگر در بعضی جاها محسوس نیست، به واسطه اتصال به صحن و عمارات است و اگر خوب دقت کنید، در وقت وزیدن باد شدید سایه منارهای مسجد شاه اصفهان هم تغییر جا می‌دهند و معلوم می‌شود که مناره‌ها لرزش پیدا می‌کنند.



قدیم ترین تصویر مزار عمو عبدالله از سفرنامه کرنلیوس دوبروین

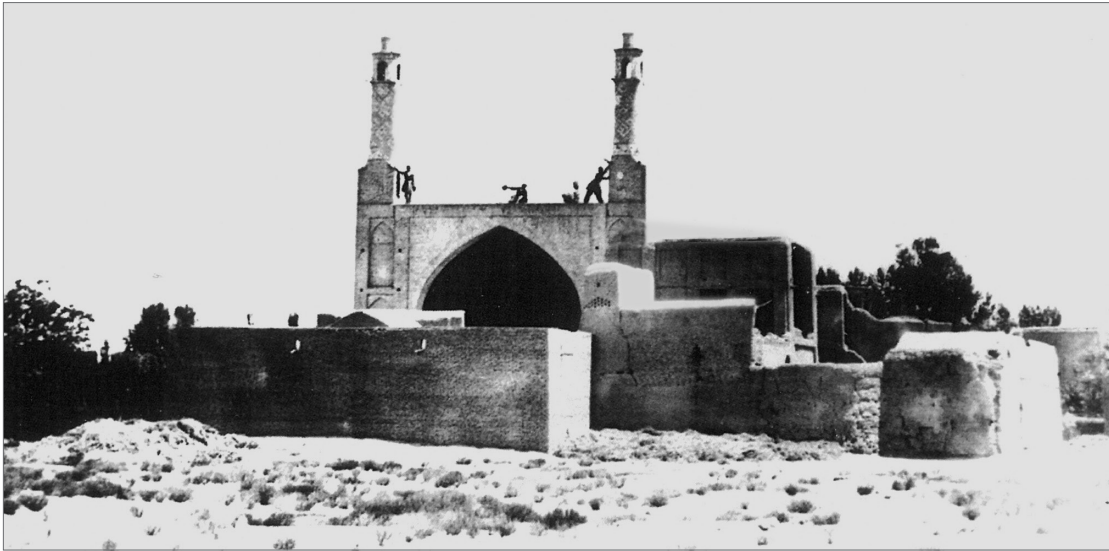
متولی قبر مرحوم عمو عبدالله که در زیر طاق منارجنبان مدفون است، گفت: از کرامت صاحب این قبر است. گفتیم: ممکن است کرامتی کند که یک مرتبه هم حرکت نکند؟ و اگر دو طرف منارها دو پایه محکم ببندند از حرکت خواهد افتاد» (گاهنامه، ۱۳۱۲: ۱۵۸). با آنچه، شادروان سید جلال الدین طهرانی از گفت‌وگو با متولی مزار عمو عبدالله درباره کرامت وی نقل نموده است - ادخال سرور در قلب خوانندگان مؤمن کتاب حاضر را - ذکر لطیفه‌ای دلپذیر در همین باب از عالم جلیل، آخوند، ملا عبدالکریم گزی - اعلی الله مقامه - (در گذشته سیزدهم ذی الحجة الحرام ۱۳۳۹) شاید بی‌مناسبت ننماید. گزی از بزرگان فقهای روزگار خود و از مشاهیر مدرسان نامدار اصفهان بود. با این همه - خاصه در سالهای آخر عمر - مرجع تمام حکومتات و مرافعات شرعی شهر و توابع آن شد و چون در طی قضاوت، ملاحظه هیچ یک از طرفین را نمی‌نمود، محبوب قلوب عموم مردم بود. پارسایی آخوند با همه مقام و آوازه علمی و اجتماعی، نگذاشت که وی چونان بسیاری از هم‌جامگان معاصر خویش آلوده زخارف دنیوی شود، از این رو پس از ارتحال مرده‌ریگی جز یاد نیک به جای نگذاشت - رحمة الله علیه - گزی شعر هم می‌سرود و «مهدوی» تخلص می‌فرمود. نمونه‌ای از اشعار وی را در پایان چاپ نخست تألیف مشهور او، تذکرة القبور می‌توان دید. از شاگردان نامدار گزی یکی هم استاد

فقید، جلال‌الدین همایی بود، او، وی را شیخ بهایی ثانی می‌دانست و می‌فرمود: در بخش «دانشمندان» کتاب *تاریخ اصفهان* خود، فصلی بلند را به احوال و مقامات آن بزرگ تخصیص داده‌ام. از ویژگی‌های آن فقیه مدرّس عالی‌مقدار، حُسن خلق بغایت ممتاز و مجالس بسیار دلپذیر وی بود. شوخی‌ها و مزاح‌های لطیف و ظریف خاصّ خویش داشت که تا به اکنون بعض آنها محفوظ خاطر خواص اهل ذوق و ادب است که آنچه در این مقام به ضبط درمی‌آید نیز از جمله آنهاست. نقل است که: وقتی آن بزرگوار به زیارت قبر عمو عبدالله رفته بود، از متولّی آن مزار، علّت جنبیدن منارهای آنجا را جوّیا شد و متولّی که در این باب نه کرامت بل معجزه صاحب قبر را دخیل می‌دانست و لاغیر! اشارت به قبر کرد و گفت: این پیر باعث جنبیدن است! و آخوند با سیمایی متعجب، اشارتی مبهم به اندامی خاص از خویش نمود و فرمود: پس چرا این بی‌پیر می‌جنبند!



کتیبه سنگ گور عمو عبدالله بن محمد بن محمود سقلا متوفای هفدهم ذی‌الحجه سال ۷۱۶ هجری

شادروان معزالدین مهدوی که یک سال پس از مرحوم طهرانی رساله خود را به طبع رسانده است، گسترده‌تر از او به مسأله پرداخته است (رساله وی ۲۸ صفحه به قطع جیبی است). مهدوی جنبش منارجنبان را فقط در اثر انعکاس (= رزونانس - Resonance) می‌داند و بس و معتقد است، این جنبش «بر حسب تصادف است، یعنی قبل از شروع به ساختمان ابدأ معمار و بنا و عمل و حتی مرحوم عمو عبدالله، صاحب قبر هم اطلاعی از آن نداشته‌اند و اتفاقاً بعد از ساخته شدن، وضع مناره‌ها و طاق و ایوان نسبت به یکدیگر طوری قرار گرفته‌اند که این اثر طبیعی - که بر طبق آن در همه‌جا و همه‌زمان مثل و مانند آن را هزارها با هرگونه مصالح بنایی می‌توان ساخت - در آن به ظهور رسیده است. قطعاً سنوات زیادی پس از اتمام این بنا، مردم از این اثر در این مکان بی‌اطلاع بوده‌اند، تا چه شده که تصادفاً پی برده‌اند که این اثر در این بنا هست؟» (کشف اثر منارجنبان اصفهان: ۱۹). استاد شادروان، احمد آرام در زندگینامه خود نوشت (خویش = گوهر عمر: ۹۳) فرموده است: قضیه رزونانس (= همنوایی) در بنای منارجنبان اصفهان را که خود آزموده بودم، پیش از مهدوی در کتاب فیزیک از تألیفات خویش مطرح نمودم و او که در آن روزگار از معلّمان فیزیک بود، اندکی بعد از انتشار نوشته من، رساله‌ای با عنوان «کشف اثر منارجنبان» چاپ کرد و قضیه را به نام خویش ثبت نمود! سالها



دورنمای منارجنبان اواخر دوره قاجار - از آلبوم ظل السلطان

پس از رساله مهدوی، مرحوم عبدالحجّه بلاغی (۱۳۱۳ق - ۱۳۵۵ش)، رساله‌ای با عنوان «تاریخ منارجنبان اصفهان» تألیف نموده و همه آراء راجع به این بنا را نقد و بررسی کرده است. قدیم‌ترین شرح و تصویر فرنگیان از منارجنبان ظاهراً در سفرنامه نفیس کرنلیس دوبروین (Comelis de Bruyn) هلندی آمده است. دوبروین به سال ۱۷۰۳م (= ۱۱۱۵ق) در روزگار سلطان حسین صفوی در اصفهان بوده است. سفرنامه او که خاصه از حیث تصویرهای بی‌همانند از منابع گران ارز تاریخ و فرهنگ و هنر ماست و هنوز به فارسی درنیامده است، در کتاب ارجمند «اسناد مصوّر اروپاییان از ایران» تألیف غلامعلی همایون (انتشارات دانشگاه تهران: ۱۸۳/۱ و ۲/ تصویر ۴۲) معرفی شده است. دوبروین محلّ این بنا را در دیه‌ی به نام (Kaladoen = کالادون) معلوم می‌دارد که امروز نیز تلفظ عامیانه آن همچنین است، اما صورت کتابی آن کارلادان (Karladan) است. این محلّ که در تقسیمات جغرافیایی دیه‌ی از دهستان ماربین در غرب اصفهان به‌شمار بود، امروز پیوسته به شهر است، اما دوبروین به سهو آن دیه را نزدیک کاشان شمرده است! (۴۹/۲).

منارجنبان در تداول مردم اصفهان «منار جُم‌جُم» خوانده می‌شود و از همین روست که سدیدالسلطنه در سفرنامه خویش (۸۵) آن را «منار جنب‌جنب» ضبط نموده است. باستان‌شناسان مناره‌های این بنا را که ظاهراً چند بار بازسازی شده است از حیث صنعتی محلّ اعتنا ندیده‌اند، اما ایوان سبک مغولی و تزینات ظریف آن را با کاشی‌های فیروزه‌ای و لاجوردی اصیل شناخته‌اند (رک: *مناره‌های اصفهان*، اسمیت: ۱۸۴). مفصل‌ترین شرح در باب ویژگی‌های این بنا را می‌توان در رساله شادروان معزالدین مهدوی و در کتاب نفیس گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف استاد فقید دکتر



دورنمای منارجنبان اواخر دوره قاجار

هنرفر (۲۸۲-۲۷۹) دید. در پایان این مقال ذکر این مطلب بی‌فایده‌تی نیست که بعض مؤلفان قدیم از چند منارجنبان دیگر چون منارجنبان قسطنطنیه و بصره و اندلس و اسکندریه و قیروان و بسطام (یادداشت‌های قزوینی: ۱۴۰/۷) نیز یاد کرده‌اند؛ اما این مناره‌ها هیچ کدام کیفیت منارجنبان اصفهان را ندارند، چه، همه فردند نه زوج و جنبیدن مناره فرد چندان شگفت‌انگیز نیست. استاد فقید همایی (تاریخ اصفهان: ۴۵۶/۳) در یادداشتی درباره تعمیر منارجنبان، فرموده‌اند: «از کثرت جنباندن مکرر مناره‌ها خراب شده است: یک مرتبه در سال ۱۳۰۲ و بار دوم در سنه ۱۳۲۴ شمسی، هر دو مناره را از پایه تجدید کردند که حالت اولیه‌اش محفوظ مانده است؛ اما چون وسیله کاسبی و ارتزاق است، دوباره خراب خواهد شد». امروز پس از حدود شصت سال که از یادداشت استاد بزرگوار می‌گذرد، همچنان جنباندن این مناره وسیله ارتزاق و کاسبی سازمان‌های مدرن گردشگری و اداره میراث فرهنگی است و هر روز جمعی غفیر و جمعی کثیر از فرنگی و مستفرنگ با اتوبوس‌های شیک و پاکیزه توریستی به زیارت این مناره‌ها می‌روند و بلیت می‌خرند و در صحن باصفای مزار می‌ایستند یا می‌نشینند تا به وقتی معین، یکی از جنبانندگان میراث بر بام ایوان و سپس بر مناره‌های شود و آن را سخت بجنباند و مناره دیگر نیز بجنبند و جماعت تماشاگران غرقه حیرت و لذت از پیشگاه عموی صاحب کرامت اذن خروج طلبند و خاطره این شعبده مقدس را به دیار خود ببرند!